

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من می‌باد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بین بوم و بر زنده یک تن می‌باد
از آن به که کشور به شمن دهیم

www.afgazad.com

Literary-Cultural

afgazad@gmail.com

۱۰۹

استاد محمد نسیم «اسیر»

طبع جوان

هر کس حکایتی بکند از زبان من
جمعی کند به باده ناب امتحان من
جمعی ز قامت و قد و نام و نشان من
بر آن هوا که رفته ز چنگم عنان من
مردم گمان برند به ضعف کمان من
تنها نمانده سر ب_____ سر آستان من
اما بلند گشته صدا و فغان من
باشد "ذخیره های جنون" در نهان من
رنگین تر از بهار در خشد خزان من
این مهربان زمین من و آسمان من
روشن بود "ز مستی طبع جوان" من
این چرخ نابکار ندارد توان من
گیرند بوسه سیمیران از دهان من
گویا حققتیست "اسیر" از زبان من

در هر زبان فتاده کنون داستان من
جمعی کشند در میک آزمایشم
پرسد کسی ز زادگه و اصل و نسل من
بر آن گمان که رشته ز دستم گسته است
تیری رها شدست ز شستم به حرف حق
این اشترا سپید که خوابد به هر دری
صد همچو من گرانی این بار می کشد
غافل که از بهار ز کف رفته تا هنوز
بر می خورم هنوز ز کیف بهار عمر
ریزد به جام و ساغر من باده نشاط
موی سپید نیست دلیل شکستگی
سنگین و استوار، به پا ایستاده ام
از بس شکر ز طرز کلام همی چکد
ابن بیت را که شاعری ز بیا سروده است

بـ «سـيـانـهـزـارـ حـوانـ زـنـدـهـاـيـهـ»

«صد نوبت‌دار و شک نیز در خزانه‌اند»

(فلسفه - حنوی ۲۰۰۳)